

نقش محتوای درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد تربیت بدنی در تأمین مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان از دیدگاه کارفرمایان

زهرا چاوشی^۱، *دکتر ابوالفضل فراهانی^۲، دکتر محمود گودرزی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۶/۲۱

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه نقش سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی در تأمین مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان، از دیدگاه کارفرمایان است. جامعه آماری پژوهش، مدیران سازمان تربیت بدنی و مدیران ارشد تربیت بدنی در سایر سازمان‌های دولتی (حدافل در سطح مدیرکل) بودند. در نهایت، ۷۲ نفر از کارفرمایان در پژوهش مشارکت کردند. ابزار این تحقیق، پرسشنامه محقق‌ساخته بود. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ($\alpha=0/83$) به دست آمد و روایی آن نیز توسط صاحب‌نظران تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل آماری از آزمون t تک نمونه‌ای، آزمون t، کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب همبستگی استفاده شد. داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین سرفصل کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های کارآفرینی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($t=0/048, P>0/05$). بر اساس نتایج، سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی، از نظر کارفرمایان، با مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان مطابقت ندارد. بین سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های شخصی کارآفرینی، رابطه معنی‌داری وجود دارد ($t=0/199, P<0/01$). بین سرفصل کارشناسی دروس ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($t=0/099, P>0/05$). بین سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های فنی کارآفرینی، رابطه معنی‌داری وجود دارد ($t=0/273, P<0/01$). اگرچه طبق یافته‌های پژوهش، سرفصل‌ها با مهارت‌های شخصی و فنی دانش‌آموختگان مطابقت داشت؛ تطابق کمتری با مهارت‌های مدیریتی دیده شد. در عین حال باید اذعان کرد بیشتر دانش‌آموختگان، نمی‌توانند به نحوی اثرگذار پاسخ‌گوی نیاز محیط‌های ورزش باشند و رضایت کارفرما را تأمین نمایند. به علاوه باید پذیرفت که امروزه وظیفه دانشگاه‌ها تنها آموزش و پژوهش نیست، بلکه تبدیل یافته‌های پژوهشی به کالا و کارآفرینی و بهره‌وری کیفی بیشتر است.

کلیدواژه‌های فارسی: تربیت بدنی، محتوای درسی، کارآفرینی، دانش‌آموختگان.

۱. کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی

۲. استاد دانشگاه پیام نور تهران

۳. دانشیار دانشگاه تهران

مقدمه

کارآفرینی، خلاقیت و کسب و کارهای مخاطره‌آمیز، سوخت موتور اقتصاد مدرن را فراهم می‌کنند (۱). خلاقیت، اوج توانایی تفکر بشری است که توانسته انسان را به پیشرفت و ترقی برساند و او را در حل مشکلات زندگی یاری دهد (۲). خلاقیت، افراد و سازمان‌ها را قادر می‌سازد خود را با تغییرات منطبق کنند و از رقبای خود پیشی بگیرند (۳). کارآفرینی، فرآیندی است که طی آن، فرد کارآفرین با ایده‌های نو، شناسایی فرصت‌های جدید و بسیج منابع، کسب و کار و سازمان‌های جدید، نوآور و رشد یابنده ایجاد می‌کند. این امر توأم با پذیرش مخاطره و ریسک است و به معرفی محصول یا خدمت جدیدی به جامعه منجر می‌شود (۴).

امروزه در بسیاری از مؤسسات آموزش عالی، آموزش کارآفرینی را لازمه رشد نیروی انسانی مطرح می‌کنند (۵). اگر نیاز به افزایش سطح کارآفرینی در دانشجویان و دانش‌آموختگان احساس شود، دانشگاه‌ها باید رویکردهای کارآفرینانه و ابتکاری را بیشتر مورد استفاده قرار دهند (۶) کارآفرینی از مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده در عصر حاضر است و آموزش عالی نقش بسیار مهمی در توسعه آن ایفا می‌کند. آموزش عالی با انتقال دانش کاربردی در زمینه فرهنگی، توسعه و حمایت پژوهشی از کارآفرینی، این مفهوم را وارد دانشگاه‌ها کرده است و دانش، نگرش و مهارت دانشجویان را به سوی کارآفرینی و کارآفرین شدن سوق می‌دهد (۷). در ایران، در سال‌های اخیر، به این موضوع توجه شده است. در حقیقت، بیکاری جوانان، به‌ویژه دانش‌آموختگان، موجب شد کارآفرینی در سیاست‌های علمی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد و کارآفرینی در برنامه سوم و چهارم توسعه، به‌ویژه در زمینه‌های پژوهشی و آموزش و پرورش کارآفرینان توسط دستگاه‌های آموزشی و اجرایی، در نظر گرفته شود (۸). تحقیقات زیادی به موضوع کارآفرینی پرداخته‌اند اما مطالعات اندکی در زمینه تربیت بدنی انجام شده است. سارا جک و الیستر اندرسون^۱ (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «آموزش کارآفرینی در فرهنگ کسب و کار برای تربیت متخصصان متفکر» اظهار کرده‌اند دانشجویان به چیزی فراتر از مهارت‌های مدیریتی کسب و کارهای کوچک و متوسط نیاز دارند و یکی از ابعاد فرهنگ کسب و کار، افزایش تعداد مؤسسات آموزشی است که دوره‌های کارآفرینی را تدریس می‌کنند (۹). لاکانن^۲ (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی کارآفرینی دانشگاهی» بیان می‌کند که امروزه، دانشگاه‌ها، به عنوان موتورهای ابتکاری و رشد اقتصادی هر منطقه، باید در کنار پژوهش و

1. S.L. Jack & A.R. Anderson

2. Mauri Laukkanen

تعلیم، وظیفه دیگری نیز بر عهده گیرند و آن، همکاری بین دانشگاه و صنعت برای تحقیقات کاربردی و کارآفرینی مستقیم در خود دانشگاه است که این دو را باید منشأ تحقیق در الگوهای تفکر آکادمیک دانست (۱۰). کنگ نئو و لیندا وی^۱ (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان «رویکرد یادگیری مسأله محور در آموزش کارآفرینی» بیان می‌کنند که در پاسخ به تأثیر مثبت کارآفرینی در اقتصاد، بسیاری از مؤسسات آموزش عالی، آموزش کارآفرینی را لازمه رشد نیروی انسانی معرفی کرده‌اند. آنها در پژوهش خود، اثربخشی دوره‌های سنتی آموزش کارآفرینی را در یادگیری کارآفرینانه بررسی می‌کنند و پیشنهاد می‌کنند برای آنکه دانش‌آموختگان برای کارآفرین شدن آماده شوند باید محتوا و جریان‌های آموزش کارآفرینی تغییر کنند و زمینه یادگیری کارآفرینانه صحیح برای آنها فراهم شود (۱۱).

مایکل برنان، آنتونی وال و پائوریک مک گوان^۲ (۲۰۰۵) در تحقیقی تحت عنوان «کارآفرینی آکادمیک» به ارزیابی کارآفرینی در یک مجتمع دانشگاهی پرداختند و به‌ویژه مدیران دانشگاه، کارآفرینان قدیمی و کارآفرینان تازه فارغ‌التحصیل شده را بررسی کردند و نتیجه گرفتند در شرایط فعلی، دانشگاه‌ها، در بعد نظری و عملی، منعکس‌کننده ماهیت واقعی کارآفرینی نیستند (۱۲).

راسموسن و سورهمیم^۳ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با عنوان «آموزش کاربردی کارآفرینی» به این نتیجه رسیدند که تأسیس شرکت‌های نوآور و کسب و کار، عامل کلیدی تحقق اهداف اقتصادی در سطوح شرکتی، منطقه‌ای و ملی است. عامل محدودکننده در این میان، در دسترس نبودن افراد شایسته برای اداره پروژه‌ها و کارآفرینان است. دانشگاه‌ها از طریق افزایش انگیزه و توانایی دانشجویان خود می‌توانند این مهم را دنبال کنند تا آنها افرادی عملگرا در نوآوری و فعالیت‌های کارآفرینانه شوند (۱۳). مارتین کروز و همکاران^۴ (۲۰۰۹) در تحقیقی با هدف بررسی اثر برنامه‌های آموزش کارآفرینی بر میزان مطلوب بودن عملکرد و رفتار ابتکاری نتیجه گرفت مراکز آموزشی و مؤسساتی که برنامه‌های آموزش کارآفرینی را سازمان‌دهی می‌کنند باید در زمینه تحصیلات تخصصی، برتری داشته باشند (۱۴). یوسف‌پور (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «نقش دانشگاه‌ها در کارآفرینی و توسعه صنعتی» به بررسی رسالت دانشگاه‌ها درباره کارآفرینی می‌پردازد و بیان می‌کند که با ایجاد مرکز کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور و بهره‌گیری از توان دانش‌آموختگان و برنامه‌ریزی‌های مناسب، می‌توان در حل معضل بیکاری گام‌های مؤثری

1. Linda Wee & Keng Neo

2. Michael C. Brennan, Anthony P. Wall, Pauric McGowan

3. Rasmussen & Sorheim

4. Martin Cruz

برداشت (۱۵). احمدزاده (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانش‌آموختگان روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی»، چنین نتیجه گرفت که عناصر برنامه درسی رشته علوم تربیتی و دروس اختصاصی آن بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی توجهی ندارند (۱۶). عزیزیان کهن (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان رشته تربیت بدنی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی»، چنین نتیجه گرفت که دانشجویان و کارفرمایان، سرفصل و محتوای دروس رشته تربیت بدنی را به لحاظ تئوری و نظری، مناسب تشخیص داده‌اند، ولی از محتوای دروس کاربردی و عملی برای ایجاد کارآفرینی چندان راضی نبودند (۱۷). در پژوهش حسینی لرگانی و همکاران (۱۳۸۷) تحت عنوان «آموزش کارآفرینی در هزاره جدید»، اغلب متخصصان معتقد بودند که در گستره جهانی شدن، آموزش سبک تفکر و فرهنگ کارآفرینانه، گسترش مراکز تحقیق و توسعه کارآفرینی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی دیجیتالی، کسب و کارهای الکترونیکی، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها با ارزش‌های کارآفرینی، همکاری‌های علمی با مراکز آموزشی و پژوهشی کشورهای توسعه‌یافته، تبادل استاد و دانشجو و ... راه‌کارهای ارزشمندی برای ایجاد تفکر کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی هستند (۱۸). یداللهی فارسی و میرعرب رضی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارائه برنامه درسی آموزش کارآفرینی در رشته علوم تربیتی» نتیجه گرفتند که روش‌های تمرین عملی، کارگاه آموزشی، سمینار، مصاحبه و ملاقات با کارآفرینان بهترین روش‌های یاددهی و یادگیری در برنامه درسی است (۱۹). نادری (۱۳۸۸) در پژوهش خود بیان کرده است که دانشجویان محتوای دروس تخصصی تربیت بدنی را در ارتقای زمینه‌های تئوریک پرورش مهارت کارآفرینی مناسب تشخیص داده‌اند، ولی از پرورش زمینه‌های عملی آن چندان راضی نبودند و توجه عناصر مختلف برنامه‌های درسی را به تأمین مهارت‌های فنی، شخصی و مدیریتی ضعیف می‌دانند. با توجه به نظر دانشجویان، آموزش‌های رسمی دانشگاهی به تنهایی، برای پرورش مهارت‌های کارآفرینی و آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کارآفرینی کافی نیستند. در واقع، آموزش‌های رسمی دانشگاهی توجهی به ارتقای روحیه کارآفرینی و آینده شغلی دانشجویان ندارد و مطالب و محتوای برنامه‌های درسی بر این اساس طراحی نشده‌اند. هر دو گروه دانشجویان حضوری و نیمه حضوری، برنامه‌های فرادرسی را در آشنایی با بازار کار و کارآفرینی مؤثر می‌دانند (۲۰).

انتخاب سرفصل‌های مناسب، مهم‌ترین عامل در طراحی دوره‌های آموزشی است. برای موفقیت دوره‌های آموزشی، تعیین اهداف و مشخص کردن محتوای مناسب با هدف ضروری است. در

تدوین سرفصل دروس لازم است نکات و جنبه‌های خاصی در ابعاد مختلف رعایت شود از جمله: تناسب سرفصل‌ها با مهارت‌های کارآفرینی و تدوین آنها به گونه‌ای که بتواند دانش‌آموختگان را از نظر کارآفرینی تربیت نماید. با توجه به اهمیت این نکته در نظام آموزشی، به‌ویژه آموزش عالی، پژوهش حاضر به بررسی تطابق سرفصل‌های رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی با مهارت‌های کارآفرینی پرداخته است.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهشی، روش تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، مدیران ارشد سازمان تربیت بدنی و مدیران ارشد تربیت بدنی در سایر سازمان‌های دولتی (حداقل در سطح مدیر کل) بودند که در مجموع، ۷۲ نفر از آنها در پژوهش شرکت کردند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته است. پرسشنامه ۶ پرسش دارد و هر پرسش، دارای تعدادی مؤلفه است که برحسب مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت به شکل کاملاً موافق، موافق، نه مخالف نه موافق، مخالف، کاملاً مخالف نمره‌گذاری شده است. روایی پرسشنامه توسط صاحب‌نظران تربیت بدنی تأیید شد و پایایی آن از طریق روش آلفای کرونباخ ($\alpha = 0.83$) ارزیابی گردید. داده‌های جمع‌آوری شده از ۷۲ پرسشنامه بازگشته، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. تمامی عملیات آماری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) برای تعیین طبیعی بودن توزیع داده‌ها، از آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین توزیع طبیعی و از حالت ناپارامتری آزمون t نیز برای مقایسه میانگین توزیع غیر طبیعی استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا داده‌های جمعیت شناختی جامعه آماری توصیف می‌شود سپس گزارش پاسخگویی به سؤالات ارائه خواهد شد. جدول زیر مربوط به یافته‌های توصیفی از جامعه آماری است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی جامعه آماری

متغیرهای فردی	عنوان	شاخص آماری	مقدار	
پست سازمانی	مدیر کل	فراوانی	۲۷	
		درصد	٪۴۲.۹	
	نایب رئیس	فراوانی	۲۸	
		درصد	٪۴۴.۴	
	دبیر فدراسیون	فراوانی	۸	
		درصد	٪۱۲.۷	
سطح تحصیلات	دیپلم	فراوانی	۱	
		درصد	٪۱.۸	
	فوق دیپلم	فراوانی	۲۷	
		درصد	٪۴۷.۴	
	کارشناسی	فراوانی	۲۴	
		درصد	٪۴۲.۱	
	دکتری	فراوانی	۵	
		درصد	٪۸.۸	
	وضعیت استخدامی	قراردادی	فراوانی	۱۱
			درصد	٪۲۱.۲
		پیمانی	فراوانی	۷
			درصد	٪۱۳.۵
رسمی		فراوانی	۳۴	
		درصد	٪۶۵.۴	
سابقه خدمت	کمتر از ۵ سال	فراوانی	۵	
		درصد	٪۸.۹	
	۵ تا ۱۰ سال	فراوانی	۸	
		درصد	٪۱۴.۳	
	۱۰ تا ۱۵ سال	فراوانی	۲۱	
		درصد	٪۳۷.۵	
	۲۰ تا ۲۵ سال	فراوانی	۹	
		درصد	٪۱۶.۱	
بالاتر از ۲۵ سال	فراوانی	۱۳		
	درصد	٪۲۳.۲		

نتایج نشان می‌دهد بین سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($t=0/048, P> 0/05$)، اما بین سرفصل دروس و مهارت‌های شخصی کارآفرینی دانش‌آموختگان، رابطه معنی‌داری وجود دارد ($t=0/199, P> 0/01$). گفتنی است بین دروس تخصصی رشته تربیت بدنی با مهارت‌های شخصی کارآفرینی رابطه

معنی‌داری مشاهده شد، همچنین بین عناصر مختلف برنامه‌داری رشته تربیت بدنی با مهارت‌های شخصی کارآفرینی نیز رابطه معنی‌داری مشاهده شد.

براساس یافته‌های تحقیق، بین سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی دانش‌آموختگان رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($t= ۰/۰۹۹, P > ۰/۰۵$).
گفتنی است بین دروس تخصصی و عناصر مختلف برنامه‌داری رشته تربیت بدنی با مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی نیز رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

در پاسخ به این پرسش که آیا سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های فنی کارآفرینی دانش‌آموختگان مطابقت دارد، نتایج نشان داد بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد ($t= ۰/۲۷۳, P < ۰/۰۱$). گفتنی است بین دروس تخصصی و عناصر مختلف برنامه‌داری رشته تربیت بدنی با مهارت‌های فنی کارآفرینی رابطه معنی‌داری مشاهده شد.

جدول ۲. انطباق سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های کارآفرینی

متغیر	تعداد	t	سطح معناداری	اختلاف میانگین
نقش سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی در مهارت‌های کارآفرینی	۱۹	۰.۶۲۴	۰.۵۴۱	۰.۰۴۸
نقش سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی در مهارت‌های شخصی کارآفرینی	۴۱	۴.۲۹۱	۰.۰۰۱	۰.۱۹۹
نقش سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی در مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی	۲۴	-۱.۶۸۹	۰.۱۰۵	-۰.۰۹۹
نقش سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی در مهارت‌های فنی کارآفرینی	۴۴	۵.۵۱۰	۰.۰۰۱	۰.۲۷۳

در پاسخ به پرسش‌های پنجم تا نهم که آیا کارگاه‌های آموزشی، پروژه‌های کارورزی، مشارکت در رویدادهای بزرگ ورزشی، دوره‌های مربیگری و داوری و همچنین دخالت و پشتیبانی دولت می‌توانند در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار مؤثر باشند، اغلب پاسخ دهندگان گزینه کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند؛ بنابراین بین موارد ذکر شده و آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار رابطه معنی‌داری وجود دارد و نظر مساعد بیشتر افراد نشان دهنده اهمیت فوق‌العاده این مباحث است.

جدول ۳. تأثیر عوامل مختلف در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار

متغیر	تعداد	آزمون t	سطح معناداری	اختلاف میانگین
تأثیر کارگاه‌های آموزشی در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار	۶۸	۱۵.۱۵۱	۰.۰۰۱	۱.۱۲۶
تأثیر پروژه‌های کارورزی در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار	۷۱	-	۰.۰۰۱	-
تأثیر مشارکت در رویدادهای ورزشی در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار	۷۰	۱۷.۷۲۸	۰.۰۰۱	۱.۱۳۳
تأثیر دوره‌های مربیگری و داوری در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار	۷۰	۱۴.۲۱۰	۰.۰۰۱	۱.۱۴۶
تأثیر دخالت و پشتیبانی دولت در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار	۷۱	۱۹.۱۶۹	۰.۰۰۱	۱.۱۴۷

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، برخلاف انتظار، سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان مطابقت ندارد. با توجه به این که کارفرمایان ارتباط نزدیک‌تری با زمینه‌های عملی بروز مهارت‌های کارآفرینی دارند، اظهار نظرشان به واقعیت نزدیک است و چنانچه پیشتر اشاره شد، تجدید نظر در سرفصل دروس از طریق مطالعه نیازهای بازار کار، ایجاد تعامل بین کارفرمایان، مدیران اجرایی و دانشگاهیان و مطالعه تجربیات سایر دانشگاه‌های دنیا امری ضروری است.

نتایج این پژوهش با تحقیق نصراصفهان‌ی (۱۳۷۹) مبنی بر اضافه کردن درس‌های اختیاری به برنامه درسی‌های ورزشی (۲۱) و تحقیق علیزاده و نصیری (۱۳۸۰) مبنی بر نامناسب بودن دروس کارشناسی با نیاز جامعه و نیازهای شغلی دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی (۲۲) همخوانی دارد.

یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج تحقیق یوسف پور (۱۳۸۵) همخوانی دارد که لزوم ایجاد تغییرات اساسی در دوره‌های آموزشی و محتوای آنها را در تمامی مقاطع تحصیلی نشان می‌دهد. نساج (۱۳۸۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که افزودن درس کارآفرینی به برنامه درسی هنرآموزان باعث می‌شود اطلاعات و مهارت‌های کارآفرینی افزایش یابد (۲۳)، نتایج عزیزیان کهن (۱۳۸۶) نشان دهنده ناکافی بودن دروس کاربردی و عملی رشته تربیت بدنی بود و نتایج تحقیق احمدزاده (۱۳۸۶) نیز عدم توجه عناصر برنامه درسی رشته علوم

تربیتی را به کارآفرینی نشان داد. نتایج تحقیق حاضر نیز مؤید نتایج تمامی تحقیقات ذکر شده است. تحقیق حاضر با نتایج جک و اندرسون (۱۹۹۹) مبنی بر اینکه آموزش کارآفرینی و مهارت‌های خوب مدیریتی باید به صورت تئوری و عملی باشد و تحقیق راسموسن و سورهمیم (۲۰۰۶) و مارتین کرووز و همکاران (۲۰۰۹) نیز همخوانی دارد.

با توجه به یافته‌های فوق، سرفصل دروس کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. برنامه‌ریزان، پیش از تدوین سرفصل دروس باید از کارفرمایان، درباره نیازهای بازارکار نظرسنجی کنند سپس اقدام به تجدیدنظر در سرفصل‌های موجود نمایند. دانشگاه‌ها باید بکوشند در تهیه و تدوین برنامه‌های آموزش رسمی، درسی را برای دانشجویان طراحی کنند که علاوه بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی آنان به صورت نظری، دانشجویان را به‌طور عملی برای کارآفرینی و ورود به دنیای کسب و کار آماده کند. در این زمینه باید دروسی در نظر گرفته شوند که قابلیت اجرایی داشته باشند. دانشگاه‌ها باید توانایی استفاده عملی از دانش را در دانشجویان ایجاد و تقویت کنند و مهارت‌های اساسی را که می‌توانند به پیشرفت‌های فردی و اجتماعی کمک کنند و باعث خلق ایده‌های نو شوند به دانشجویان آموزش دهند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی و ایجاد اشتغال بیش از هر چیز به میزان و نحوه سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و تحقیق و توسعه کشور بستگی دارد.

بررسی پاسخ‌های کارفرمایان نشان می‌دهد، همان‌طور که انتظار می‌رفت، سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های شخصی کارآفرینی دانش‌آموختگان مطابقت دارد. نتایج پژوهش در این مورد با تحقیق نادری (۱۳۸۸) همخوانی دارد، اما با تحقیق عزیزیان کهن (۱۳۸۶) همخوانی ندارد. یافته‌های وی نشان داد برخلاف نقش مثبتی که کارفرمایان برای آموزش مبانی نظری قائلند، محتوای دروس در آموزش مهارت‌های شخصی کارآفرینی کارآیی چندانی ندارد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، برخلاف انتظار، سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی دانش‌آموختگان تناسب ندارد؛ بنابراین در زمینه عدم تناسب دروس کارشناسی با نیازهای شغلی دانش‌آموختگان، لزوم ایجاد تغییرات اساسی در دوره‌های آموزشی و محتوای آنها در مقاطع مختلف تحصیلی و افزودن درس‌های اختیاری در برنامه درسی رشته تربیت بدنی با نتایج نصراصفهانی (۱۳۷۹)، علیزاده و نصیری (۱۳۸۰) و یوسف‌پور (۱۳۸۵) همخوانی دارد. همچنین یافته‌های تحقیق با تحقیق نساچ (۱۳۸۶) در خصوص این که افزودن درس کارآفرینی به برنامه درسی هنرآموزان، اطلاعات و مهارت‌های کارآفرینی آنها را افزایش می‌دهد و تحقیق سارا جک و الیستر اندرسون (۱۹۹۹) مبنی بر این که آموزش

کارآفرینی و مهارت‌های خوب مدیریتی باید به صورت تئوری و عملی باشد و نیز تحقیق راسموسن و سورهمیم (۲۰۰۶) و مارتین کرووز و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد. بررسی پاسخ‌های کارفرمایان نشان می‌دهد، همان‌طور که انتظار می‌رفت، سرفصل دروس کارشناسی ارشد تربیت بدنی با مهارت‌های فنی کارآفرینی دانش‌آموختگان مطابقت دارد. نتایج این پژوهش با تحقیق عزیزیان کهن (۱۳۸۶) مبنی بر مناسب بودن کارآیی سرفصل و محتوای دروس در آموزش مهارت‌های فنی، هم از نظر کارفرمایان و هم از نظر دانشجویان و تحقیق نادری (۱۳۸۸) مبنی بر مناسب بودن میزان توجه دروس تخصصی تربیت بدنی به پرورش مهارت‌های فنی کارآفرینی، همخوانی دارد.

اغلب دانشگاه‌ها، تنها آموزش را در دستور کار خود قرار می‌دهند و برای آموزش اندیشه کارآفرینی به فراگیران برنامه‌ریزی نمی‌کنند. عدم توجه به برنامه‌هایی با رویکرد کارآفرینی، سبب می‌شود در برنامه‌های درسی و عناصر تشکیل‌دهنده آن، به پرورش مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینی در دانشجویان توجه نشود. به همین دلیل، تدوین دوره‌های آموزش کارآفرینی را در برنامه‌های درسی دانشجویان رشته تربیت بدنی ضروری است و باید تغییراتی در محتوا و فرآیند آموزش کارآفرینی صورت گیرد. بازبینی سرفصل دروس دوره‌های آموزشی و تنظیم آنها براساس اطلاعات نظری و عملی مورد نیاز رشته‌ها و زمینه‌های شغلی مرتبط، از دیگر اقدامات اساسی در این زمینه است. همچنین تجدیدنظر در نظام آموزشی، روش تدریس و ارزیابی و سنجش دانشجویان برای تقویت روحیه کارآفرینی آنها، امری ضروری است که باید مورد توجه جدی دانشگاه‌ها قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش نشان داد بین شرکت در کارگاه‌های آموزشی، پروژه‌های کارورزی، رویدادهای بزرگ ورزشی، دوره‌های مربیگری و داوری و همچنین دخالت و پشتیبانی دولت با میزان آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این مورد تحقیقات مشابهی انجام نشده است تا امکان مقایسه و تطبیق فراهم آید و لزوم مطالعات بیشتر، ضروری به نظر می‌رسد.

بررسی پاسخ‌های کارفرمایان به پرسش‌های این بخش نشان می‌دهد به طور کلی اغلب افراد به نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان اعتقاد کامل دارند و آن را مؤثرترین عامل در کارآفرینی تلقی می‌کنند.

نتایج علیزاده و نصیری (۱۳۸۰) نشان داد عدم حمایت مسئولان از کارشناسان رشته تربیت بدنی از مشکلات دانش‌آموختگان این رشته است و بازنگری در قوانین جاری اداری ضروری است که با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. باقری (۱۳۸۴) در نتایج تحقیق خود بیان

می‌کند راه‌کارهای توسعه فرهنگ کارآفرینی عبارتند از: گسترش رقابت از طریق کاهش انحصارات دولتی و اصلاح قوانین و مقررات دست و پاگیر، ایجاد بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری و لزوم افزایش حمایت‌های مالی دولت از متولیان امر (۲۵). نتایج تحقیق آقاجانی (۱۳۸۴) لزوم حمایت دولت از سطوح فعالیت‌های کارآفرینی و بخش خصوصی برای پیشرفت مملکت را تأیید می‌کند. یداللهی فارسی و میرعرب رضی (۱۳۸۸) تمرین عملی، کارگاه آموزشی، سمینار، مصاحبه و ملاقات با کارآفرینان را بهترین روش‌های یاددهی و یادگیری در برنامه درسی مطرح می‌کند و نتایج نادری (۱۳۸۸) نشان می‌دهد برنامه‌های کمک درسی باید مورد توجه جدی برنامه‌ریزان آموزشی قرار بگیرد تا مانند برنامه‌های رسمی، با دقت و درستی طراحی شوند. بدین ترتیب، نتایج تحقیق حاضر در این زمینه، با نتایج سایر تحقیقات همخوانی دارد.

آموزش‌های رسمی دانشگاهی به تنهایی نمی‌توانند مهارت‌های کارآفرینی را در دانشجویان پرورش دهند و باید در کنار آنها برنامه‌های کمک درسی نیز به دانشجویان ارائه شود؛ بنابراین دانشجویان می‌توانند معلومات و درک خود را از کارآفرینی افزایش داده، مهارت‌های لازم را فرا گیرند. اگر محتوا و سرفصل این برنامه‌ها پربار و روزآمد باشد، می‌تواند زمینه‌آهنمایی شغلی را فراهم کند و همچنین سبب پیشرفت برنامه‌های رسمی دانشگاهی شود. این برنامه‌ها به دلیل این که خارج از محیط رسمی دانشگاهی ارائه می‌شوند، فرصتی برای آشنایی دانشجویان با محیط کار و کارآفرینی محسوب می‌شوند که نه تنها افزایش توانایی‌های آنان را برای اشتغال در آینده افزایش می‌دهند، بلکه به آنها قدرت انتخاب بیشتری در انجام وظایف ارائه شده می‌دهد؛ بدین ترتیب می‌توانند به علاقه‌مندی‌ها و گرایش‌های خود در زمینه‌های مختلف پی ببرند و نقاط قوت و ضعف کار خود را ارزیابی کنند. از آنجا که هیچ جانشینی برای تجربه عملی وجود ندارد؛ این برنامه‌ها ابزاری برای تبدیل تئوری به عمل و تلاشی برای برقراری پیوند بین محیط عملی و مراکز آموزشی است. لزوم توجه جدی به فعالیت‌هایی نظیر کارگاه‌های آموزشی به منظور روزآمد کردن اطلاعات و مهارت‌های دانش‌آموختگان، ارتقای سطح دانش و اطلاعات، بهینه‌سازی خدمات حرفه‌ای، تبادل و تفاوت آرا و تجارب، حل مشکل نیازسنجی و رفع ضعف‌ها، تمرین و نهادینه کردن الگوهای مناسب و تقویت روحیه کارآفرینی در دانش‌آموختگان لازم و ضروری است. همچنین پروژه‌های کارورزی به منظور کنکاش شغلی و توسعه مهارت‌ها، کاربایی، شناخت از سازمان‌ها و بالعکس برای دانش‌آموختگان لازم است. مشارکت در برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی سبب آشنایی دانش‌آموختگان با وظایف واحدهای پذیرش، مالی و اداری، روابط عمومی، تدارکات و فنی می‌شوند، همچنین در توسعه مشارکت و مسئولیت‌پذیری

دانش‌آموختگان در سازمان‌دهی و اجرای فعالیت‌های ورزشی مؤثرند. دوره‌های مربیگری و داوری، سبب استحکام شخصیت، پرورش روحیهٔ صداقت، حفظ ارزش‌ها و رشد کامل شخصیتی دانش‌آموختگان می‌شود، همچنین در ایجاد حس تعهد و وظیفه‌شناسی دانش‌آموختگان نسبت به ورزشکاران و نهاد ورزش و تجربهٔ ایده‌های جدید توسط آنها مؤثرند. در مجموع، این دوره‌ها و برنامه‌ها در آیندهٔ شغلی دانشجویان و تقویت روحیهٔ کارآفرینی در آنها و آشنایی با بازار کار نقش به‌سزایی دارند.

بنابر نتایج تحقیق، تدوین و تصویب قوانین مرتبط با قراردادهای کاری و حقوقی رشتهٔ تربیت بدنی توسط دولت و مجلس، پشتیبانی دولت از آیندهٔ شغلی دانش‌آموختگان، اعطای معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای به سرمایه‌گذاران در بخش‌های ورزشی برای تشویق دانش‌آموختگان به خود اشتغالی، اولویت اعطای تسهیلات ارزان قیمت به دانش‌آموختگان رشته‌های ورزشی برای ایجاد کسب و کار، اعطای تسهیلات و وام‌های خوداشتغالی به صاحبان ایده‌ها و طرح‌های کارآفرینی و خود اشتغالی، تشکیل بانک اطلاعات شغلی در سیستم آموزش عالی کشور با همکاری دولت بیش از پیش احساس می‌شود.

منابع:

۱. مقیمی، محمد، ۱۳۸۳، شرایط اقتصادی کشور مشوق کارآفرینان نیست. بازاریابی، ۴۰.
۲. خسروجردی، زهرا، ۱۳۸۵، خلاقیت و روش‌های تدریس. رویش، ۱۵.
۳. فخریان، سارا، ۱۳۸۱، بررسی رابطهٔ خلاقیت و نوآوری کارشناسان ستادی با عوامل سازمانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۴. فروزان فر، الهام، ۱۳۸۶، تأثیر پیاده سازی سه اصل مدیریت کیفیت فراگیر در سازمان‌های کارآفرین. رویش، ۱۹.
5. Wee, L., Neo, K. (2004). A problem – Based learning approach in entrepreneurship education. *International Journal of Technology Management*, 28 (7/8): 683.
6. Matly, H. (2005). Industry and higher education. *Selected Article Abstracts*, 19 (1)
۷. کیا، محمد، ۱۳۸۶، کارآفرینی و آموزش عالی. رویش، ۱۹.
۸. پیک سنجش، ۱۳۸۳، ویژه نامهٔ کاراد.

9. Jack, S.L., Anderson, A.R. (1999). Entrepreneurship education within the enterprise culture: producing reflective practitioners. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 5(3): 110-125.
 10. Laukkanen, M. (2003). Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university-based business. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 10 (4): 372-382.
 11. Neo, k., Wee, L. (2004). A problem – based learning approach in entrepreneurship education (promoting authentic entrepreneurial learning)
 12. Brennan, M.C., Wall, A.P., McGowan, P. (2005). Academic entrepreneurship Assessing preferences in nascent entrepreneurs. *Journal of Small and Enterprise Development*, 12 (3): 307-322.
 13. Rasmussen, E., Sorheim, R. (2006). Action – based Entrepreneurship Education. *Technovation*, 26 (2): 185-194.
 14. Cruz, M.N. (2009). The Effect of Entrepreneurship Education Programmes on Satisfaction with Innovation behavior and Performance. *Journal of European Industrial Training*, 23: 198-214.
۱۵. یوسف پور، داور، ۱۳۸۵، نقش دانشگاه‌ها در کارآفرینی و توسعه صنعتی. مجموعه مقالات هفتمین سمینار همکاری‌های دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی.
۱۶. احمدزاده، نسرين، ۱۳۸۶، بررسی میزان توجه برنامه‌دو درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی. رویش، ۱۶ و ۱۷: ۱۰۰ - ۱۰۱.
۱۷. عزیزیان کهن، نسرين، ۱۳۸۶، بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان رشته تربیت بدنی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
۱۸. حسینی لرگانی، سیده مریم، ۱۳۸۷، آموزش کارآفرینی در هزاره جدید: زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۵۰: ۱۲۰ - ۱۳۷.
۱۹. یدالهی فارسی، جهانگیر، میرعرب رضی، رضا، ۱۳۸۸، بررسی ارائه برنامه‌دو درسی آموزش کارآفرینی در رشته علوم تربیتی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره سوم: ۶۱-۸۰.

۲۰. نادری، ندا، ۱۳۸۸، نقش آموزش رسمی و برنامه‌های کمک درسی رشته تربیت بدنی در مقطع کارشناسی ارشد در تأمین مهارت کارآفرینی دانشجویان از نظر دانش‌آموختگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
۲۱. نصر اصفهانی، احمدرضا، جاویدپور، سعید، ۱۳۷۹، میزان تناسب دروس دوره کاردانی تربیت بدنی با نیازهای شغلی دبیران این رشته. حرکت، ۶: ۵-۲۲.
۲۲. علیزاده، حسین، نصیری، خسرو، ۱۳۸۰، بررسی مشکلات شغلی دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی. حرکت، ۷: ۷۷-۸۹.
۲۳. نساچ، سعیده، ۱۳۸۶، بررسی اثربخشی برنامه درس کارآفرینی کار و دانش از دیدگاه هنرآموزان دختر و پسر شاخه آموزش متوسطه مناطق ۱۹ گانه شهر تهران. رویش، ۱۷ و ۱۶: ۱۰۲-۱۰۳.
۲۴. فراهانی، ابوالفضل، شعبانی، کیوان، (۱۳۸۸). «قواعد پژوهشگری در تربیت بدنی با تأکید بر نگارش پایان‌نامه و مقاله». تهران: اندیشه‌های حقوقی
۲۵. باقری، بهرام، ۱۳۸۴، موانع کارآفرینی در ایران. نشریه ایران.